

فصل‌نامه پژوهش‌های تاریخی (علمی - پژوهشی)
دانشکده ادبیات و علوم انسانی - دانشگاه اصفهان
سال پنجاه و یکم، دوره جدید، سال هفتم
شماره سوم (پیاپی ۲۷)، پاییز ۱۳۹۴، صص ۱۳۶-۱۱۹
تاریخ وصول: ۱۳۹۳/۰۹/۰۳، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۸/۱۴

تحلیل وضعیت تجارت و راه‌های تجاری کرمان در دوران حاکمیت سلجوقیان (۴۳۳ تا ۵۸۳ ق)

جمشید روستا* - الهام محمدی**

چکیده

در حدود سال ۴۳۳ق و با ورود قاورد بن چغری بیگ به ایالت کرمان، مقدمات تأسیس دولتی جدید، با نام سلجوقیان کرمان که با نام قاوردیان نیز شهرت یافته است، فراهم شد. این حکومت تازه تأسیس، تا سال ۵۸۳ق، یعنی نزدیک به یک سده و نیم و به طور موروثی، در میان فرزندان و نوادگان ملک قاورد ادامه یافت. بی‌شک یکی از اصلی‌ترین مسائل در کانون توجه حکام سلجوقی کرمان، تلاش در راستای رونق وضع اقتصادی و بهبود معیشت مردمان این دیار بود. از همین رو، رسیدگی به امور تجاری ایالت مذکور، از زمان نخستین حکام سلجوقی کرمان، با دقت و وسواس دنبال شده است. امری که بسته به اقتدار داشتن یا اقتدار نداشتن حکام مزبور، رو به تعالی نهاده یا دچار ضعف و نقصان شده است.

در همین راستا، نوشتار حاضر با کاربرد روش توصیفی تحلیلی و با محوریت استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بر آن است تا ضمن بیان شمه‌ای در باب چگونگی شکل‌گیری دولت سلاجقه کرمان، وضعیت تجارت و راه‌ها و کالاهای تجاری این ایالت را هم‌زمان با حاکمیت آنان واکاوی کند؛ بنابراین، پرسش اصلی پژوهش حاضر عبارت است از اینکه تجارت کرمان، هم‌زمان با حاکمیت سلاطین سلجوقی بر این دیار، از چه وضعیتی برخوردار بوده و مهم‌ترین راه‌ها و کالاهای تجاری این ایالت کدام بوده است؟ نتایج تحقیق حاکی از آن است که حضور سلجوقیان در کرمان و اقدامات آنان در راستای بازسازی راه‌ها، بنادر، کاروانسراها و برقراری امنیت جاده‌های تجاری، موجبات رشد و رونق تجارت در این ایالت را فراهم کرد.

واژه‌های کلیدی: کرمان، سلجوقیان، تجارت، راه‌های تجاری، کالاهای تجاری

* استادیار گروه تاریخ دانشگاه شهید باهنر کرمان (نویسنده مسئول). jamshidroosta@uk.ac.ir

** دانشجوی کارشناسی‌ارشد تاریخ ایران اسلامی دانشگاه شهید باهنر کرمان

مقدمه

سلجوقیان کرمان (قاوردیان)، حکومتی است که محققان ایرانی کمتر، درباره آن مطالعه و تحقیق کرده‌اند و با اندک تأملی در تحقیقات فارسی مربوط به این سلسله، می‌توان به این مهم پی‌برد. برخی از محققان نیز که دشواری کار بر روی این سلسله را بر خود هموار ساخته‌اند، بیشتر بر آن بوده‌اند تا روندی از تاریخ سیاسی این حکومت بیان کنند و گامی در راستای شناساندن آن به ایرانیان بردارند. این در حالی است که بررسی اوضاع تجاری و اقتصادی این حکومت، محقق را متقاعد می‌کند که از حدود مرز یک شناسایی ساده یا بیان صرف وقایع سیاسی فراتر برود؛ از همین رو، مسئله در این پژوهش آن است که ضمن واکاوی وضعیت تجاری کرمان، هم‌زمان با حاکمیت قاوردیان بر این ایالت، اقدامات حکام سلجوقی کرمان در راستای ساخت و بازسازی راه‌ها، کاروانسراها و بنادر تجاری و همچنین، ایجاد امنیت در این اماکن تبیین شود.

با وجود اهمیت فراوان بیان چگونگی اوضاع تجاری و اقتصادی کرمان در عهد سلاجقه، این موضوع مهم، کمتر با عنایت اندیشمندان، روبه‌رو شده و هنوز، بسیاری از جنبه‌های این موضوع، مغفول مانده است. البته مایه بسی خرسندی است که مورخ نام‌آشنای عهد سلاجقه کرمان، افضل‌الدین ابوحامد کرمانی، در آثارش همچون «بدایع الازمان فی وقایع کرمان» و «عقد العلی للموقف الاعلی» از برخی راه‌های تجاری کرمان، اقدامات عمرانی در طول مسیر این راه‌ها و همچنین محصولات هر یک از ولایات کرمان، سخن به میان آورده است. مطالبی که پس از وی نیز، مورخان همچون محمد بن ابراهیم و حافظ ابرو، بازگو کرده‌اند. اخیراً نیز به همت محسن مرسلپور، کتابی با نام «تاریخ سلجوقیان کرمان» (۱۳۸۷) نگاشته شده و انتشارات

کرمان‌شناسی، آن را به زیور چاپ آراسته است؛ اما در این اثر نیز، بخش بسیار محدودی به تجارت سلاجقه کرمان، اختصاص داده شده و این موضوع مهم از دیده تیزبین مؤلف، به دور مانده است. خوشبختانه مقالات مفید و کارآمدی نیز در باب تجارت سلجوقیان بزرگ یا تجارت خلیج فارس، به رشته تحریر درآمده است؛ از جمله می‌توان به نمونه‌هایی همچون: «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری (با تأکید بر نقش بندر تیز)» اثر عبدالرسول خیراندیش و مجتبی خلیفه (۱۳۸۶)؛ «راه‌های تجاری در عهد ایلخانی»، نوشته سیدابوالفضل رضوی (۱۳۸۸)؛ «جغرافیای تاریخی خلیج فارس»، اثر محمد نایبپور و لقمان ملکی (۱۳۸۹)؛ «تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری، با تأکید بر جایگاه جیرفت» نوشته جواد عباسی و لیلیا امیری (۱۳۹۰) اشاره کرد. برخی از تحقیقات فوق‌الذکر، به ویژه کتاب «تاریخ سلجوقیان کرمان» و مقاله «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری (با تأکید بر نقش بندر تیز)»، به نتایج بسیار ارزشمندی، همچون رویکرد امرای آل‌بویه و سلاطین سلجوقی، چه سلجوقیان بزرگ و چه سلجوقیان کرمان، به تجارت خلیج فارس و دریای عمان دست یافته‌اند؛ یا حتی، بر جایگاه تجاری برخی از بنادر، همچون بندر سیراف و بندر تیز، تأکید کرده‌اند؛ اما با ادعان به نتایج مفید و ارزشمند این آثار، اهمیت نوشتار حاضر از آن روست که اولاً به بررسی وضعیت امنیتی کرمان عهد سلاجقه و ارتباط دوسویه امنیت و تجارت در آن زمان، پردازد و ثانیاً ضمن بیان رویکرد سلاطین سلجوقی کرمان به تجارت و امور تجاری، مهم‌ترین راه‌ها، بنادر، جزایر و کالاهای تجاری در عصر سلجوقیان کرمان را معرفی کند.

۴۳۳ق، به دستور عم خود طغرل بیگ عازم فتح کرمان گردید» (میرخواند، ۱۳۷۵، ۴/۶۹۸). بعضی دیگر برآنند که ملک قاورد به سال ۴۴۲ق عزم تصرف کرمان کرد (وزیری، ۱۳۷۵: ۱/۳۴۳). در این میان، مورخانی همچون بنداری نیز، از این واقعه به هنگام بیان وقایع سال ۴۴۷ق سخن به میان آورده‌اند (بنداری، ۱۳۵۵: ۳۷). این دیدگاه‌ها بسیار متناقض هستند؛ اما با توجه به اینکه ملک قاورد در سال ۴۶۵ق، وفات یافته و مدت حکومتش نیز ۳۲ سال بوده است، به نظر می‌رسد همان دیدگاه نخست، یعنی سال ۴۳۳ق، به واقعیت نزدیک‌تر است (حلمی، ۱۳۸۳: ۵۳؛ لسترنج، ۱۳۸۳: ۳۲۶؛ روستا، ۱۳۹۲: ۷۷).

هم‌زمان با ورود قاورد به کرمان، شاخه‌ای از دیالمه بر این سرزمین حکومت می‌کردند که تحت اقتدار فرمانروایی به نام ابوکالیجار، قرار داشتند. این امیر دیلمی که مرکز حکومتش در شیراز بود؛ مردی از اهالی دیلم با نام بهرام بن لشکرستان را از طرف خود حاکم کرمان ساخته بود (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۳). با حضور ترکمانان در خدمت قاورد، بهرام، نایب ابوکالیجار، مصلحت را در صلح با قاورد دید و با دادن زهر به ابوکالیجار دیلمی، حکومت کرمان را تسلیم قاورد کرد (حافظ ابرو، ۱۳۷۸۳: ۲۳/۳؛ کرمانی، ۱۳۲۶: ۴). قاورد در پیشروی به سمت جنوب، کرمان و کوهستان طبس را به تصرف درآورد. طبس دژی با اهمیت و مرکز بازرگانی بر سر راهی بود که از کنار کویر بزرگ نمک عبور می‌کرد و خراسان را به کرمان متصل می‌ساخت (بویل، ۱۳۸۰: ۵۵). بدین ترتیب حکومت سلجوقیان کرمان تأسیس شده و پایه‌های آن مستحکم شد. حکومتی که پس از ملک قاورد بن چغری بیگ نیز در میان فرزندان و نوادگان وی تداوم یافت و مدت زمان یک سده و نیم بر سرزمین کرمان و نواحی اطراف آن اقتدار داشت (روستا، ۱۳۹۲: ۷۸).

بنابراین، اهداف نوشتار حاضر عبارت‌اند از: ۱. معرفی قوم سلجوقی و چگونگی تأسیس حکومت سلجوقیان در کرمان؛ ۲. بررسی وضعیت امنیتی کرمان عهد سلاجقه و ارتباط دوسویه امنیت و تجارت در آن زمان؛ ۳. بیان چگونگی رویکرد سلاطین سلجوقی کرمان، به تجارت و امور تجاری؛ ۴. معرفی مهم‌ترین راه‌ها، بنادر، جزایر و کالاهای تجاری در عصر سلجوقیان کرمان.

شماره‌ای در باب چگونگی شکل‌گیری حکومت سلجوقیان کرمان

نوادگان سلجوق پس از شکست سپاهیان سلطان مسعود غزنوی، در محل دندانقان در سال ۴۳۱ق، بر خراسان مستولی شدند و به زودی، حرکت خود را برای فتح نواحی داخلی ایران آغاز کردند. طغرل بن میکائیل بن سلجوق که در رأس سلجوقیان بود، تصمیم گرفت با تقسیم نقاط فتح شده و واگذاری فتح نقاط جدید به برادران و برادزادگان، اولاً تسلط خود بر نقاط فتح شده را تثبیت کند؛ ثانیاً نواحی فتح نشده را به سرعت فتح کند و تحت اقتدار درآورد. از همین رو بود که «ولایت قسمت کردند و هر یکی از مقدمان، به طرفی نامزد شد. چغری بک که برادر مهتر بود، مرو را دارالملک ساخت و خوراسان، بیشتر خاص کرد و موسی یبغو به ولایت بُست و هرات و سیستان و نواحی آن چندان که تواند گشود، نامزد شد و قاورد، پسر مهین چغری بک، به ولایت طبسین و نواحی کرمان...» (راوندی، ۱۳۶۳: ۱۰۴). به این ترتیب، فتح ایالت کرمان و نواحی اطراف آن، به قاورد بن چغری بیگ واگذار شد؛ اما درباره زمان ورود قاورد به کرمان و تشکیل حکومت سلاجقه کرمان توسط وی، دیدگاه‌های متفاوتی وجود دارد. برخی از منابع بر آن هستند که «ملک قاورد سلجوقی به سال

واکاوی وضعیت تجارت کرمان در عهد سلجوقیان

رویکرد سلاطین سلجوقی کرمان به تجارت

سلجوقیان پس از سلطه بر سرزمین پهناور کرمان و نواحی اطراف آن، به مسئله تجارت و راه‌های تجاری این ناحیه نیز توجه کردند و در راستای رونق آن، دست به اقداماتی زدند. این اقدامات از زمان نخستین حاکم سلجوقی کرمان، یعنی ملک قاورد، آغاز شد. وی علاوه بر اینکه بنیان حکومتی نسبتاً قدرتمند را نهاد، گام‌هایی بلند نیز، در راستای مستحکم ساختن پایه‌های این حکومت برداشت. وی «پادشاهی عادل، مدبّر، معمر، مقبل و مظفر [بود]؛ رایات دولت او در عالم گشایی منصور و آیات اقبال او در پادشاهی بر صفحات روزگار مسطور و از حدق [مهارت] صنعت او در تأسیس مبانی جهان بانی، مُلک کرمان، یکصد و پنجاه سال در خاندان او بماند و اولاد و احفاد او همه از مکتب او خوردند و خواب شب و آسایش روز ایشان نتیجه سهر و تعب او بود» (افضل‌الدین کرمانی، ۱۳۲۶: ۴). این آسایش، همیشگی نبود و فراز و نشیب‌هایی داشت و برخی سلاطین نالایق این خاندان، آرامش را بر هم می‌زدند؛ اما بی‌شک اقدامات ملک قاورد سلجوقی، در سر و سامان دادن به امور تجاری ایالت کرمان، نقش مهمی در اعتلای دولت سلجوقیان کرمان داشت. وی پس از فتح کرمان و عقب‌راندن دیلمیان، ابتدا در اقدامی اساسی، قوم راهزن و سخت‌گُشِ قُفص را که از گذشته‌های دور در ایالت کرمان ساکن شده و امنیت کرمان را دچار نقصان ساخته بودند، به شدت در هم کوفت و با قتل بزرگان این قوم، امنیت را به راه‌های تجاری کرمان، به ویژه منطقه جیرفت، بازگرداند: «چون [ملک قاورد] در مملکت، قرار یافت او را فتح‌ها و ظفرها میسر شد و لشکر بسیار بر او جمع شد و حشم بی‌حد گرد آمد و ارتفاعات سردسیر به ارزاق ایشان

وفا نمی‌کرد؛ چه مایه مال و منال کرمان از گرمسیرات استو گرمسیر، در دست قوم کوفج (قفص) بود و به روزگار دراز از عجز دیلم، گردن استیلا افراشته و سینه تغلب پیش کرده و در عدد ایشان کثرتی بود و به شوکت اندک، قمع ایشان میسر نه (چه) جمله گرمسیر از جا رفت تا لب دریا فرو گرفته بودند و تا حدود فارس و اطراف خراسان می‌شدند و از دزدی و قطع طریق، مال باز ولایت خویش می‌آوردند... [ملک قاورد] به یکروز دیگر به کوه کوفجان شد و همان شب اتفاق عروسی بود و جمله اکابر و اصاغر و مهتر و کهتر و زن و مرد از اشراف و اراذل مجتمع و به عسرت و نشاط مشغول. سحرگاهی بر سر آن مخاذیل، افتاد و ایشان را خمار گشایی [خوش] فرمود و یک کودک را زنده نگذاشت» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۵ تا ۸).

قاورد پس از به اتمام رساندن کار قوم قفص و امن ساختن مسیر جیرفت و جبال بارز، به سبب توصیفاتی که از ثروت و بی‌دفاع بودن ناحیه عُمان، از اطرافیان خود شنید، متوجه آن ناحیه شد و در پی تسخیرش برآمد: «بر رأی قاورد شاه عرضه داشتند که ولایتی است که آن را عمان گویند، خزانه از انواع نعمت ممتلی و عرضه آن از خصمی مانع و مقاومی مدافع فارغ و خالی و از ساحل هرموز تا آن فرضه مسافتی نه دور، اما خطر امواج دریا در پیش است و ناچار از رکوب مراکب آبی و نفس از دخول آن آبی. ملک چون ثبات کوه داشت از موج بحر نیندیشید و بدین عزم عازم آن حدود شد» (خبیصی، ۱۳۴۳: ۹). علاوه بر این، سرزمین عمان از لحاظ تجاری و اقتصادی، موقعیت ویژه‌ای داشت و از آنجا که حاکم عمان بر مناطقی همچون لحسا و قطیف و بحرین نیز حکم می‌راند، تصرف عمان به منزله دستیابی به تمامی این نواحی محسوب می‌شد (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۷۹).

طول مسیر راه‌های تجاری بود. این میل‌ها از چند فرسنگی دیده می‌شد و از سردرگمی مسافران و تجار جلوگیری می‌کرد. به امر ملک قاورد، در کنار این میل‌ها آبگیر و حوض و حمامی از آجر ساخته شد تا مسافران و بازرگانان خسته از طی طریق، لحظه‌ای درنگ کنند و خود و اسبان و شترانشان، آبی بنوشند؛ یا تجار با ورود به حمام‌های ساخته شده در طول مسیر، گرد و خاک کویر را از رخ بشویند. راه تجاری کرمان به سیستان، یکی از این راه‌هاست که هنوز، آثار بناهای قاوردی در آن مشاهده می‌شود. این راه از میان کویر عبور می‌کرد. به دستور ملک قاورد، در این راه، از سر دره تا فهرج بم، بیست و چهار فرسخ (حدود یکصد و چهل کیلومتر) را در بر می‌گرفت و در هر سیصد قدم، میلی به ارتفاع دو برابر قامت انسان، ساخته شده بود؛ به نحوی که شب از پای هر میل، میل دیگر دیده می‌شده است: «در راه سیستان و دره قاورد، در چهار فرسنگی اسفه [سنیج یا اسپه] (سپه) در حوالی زاهدان امروزی، دربندی ساخته دري از آهن در آویخت و مرد بنشانند و از سر دره، تا [شهر] فهرج بم که بیست و چهار فرسخ است در هر سیصد گام، میلی به دو قامت آدمی چنانچه در شب از پای آن میل، میل دیگر می‌توان دید، بنا نهاد تا خلاق و عبادالله در راه، تفرقه و تشویش نکنند» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰؛ خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۲).

علاوه بر این میل‌ها، به امر ملک قاورد کاروانسراها، حصارها، مناره‌ها و چاه‌های آب بسیاری نیز در طول مسیرهای تجاری ایالت کرمان ساخته شد: «[ملک قاورد] در سر دره که ابتدای امپال از آنجاست، خانی و حوض آب و حمام از آجر ساخته و دو مناره مابین کرک و فهرج بنا کرده، یک مناره چهل گز ارتفاع و دیگری بیست و پنج گز و در تحت هر مناره، کاروانسرا و حوض» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰؛ خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۲). وی همچنین، در ده فرسنگی یزد، چاهی

ملک قاورد برای رسیدن به این هدف، از امیر هرمز کمک گرفت و توانست به راحتی و بی هیچ مقاومتی از جانب حاکم عمان، این ناحیه را به تصرف خویش درآورد و تمام اموال و گنجینه‌های آن را کشف و ضبط کند. وی سپس، حاکم عمان را امان داد و بر مقام خویش، ابقا کرد و تنها شحنة‌ای از جانب خود بر او گذاشت: «والی عمان را شهریار بن باقیل (تافیل) گفتندی و چون بلاء ناگهان و محنت نااندیشیده دید؛ روی در پردها ختفا کشید و ملک [قاورد]... خطبه و سکه ولایت بر نام خویش فرمود و مثال داد تا طلب امیر ولایت کنند و پیشوی آرند که در امان خداست و ضمان مراعات من. (بعد از تفحص) او را در تنوری بازدیدند و به خدمت ملک آوردند. ملک گفت ای تازیک، من به مهمانی تو آمدم از مهمان بگریختی [اکنون] بازمی‌گردم و ولایت، تُراست و شحنة من اینجا در خدمت و صحبت تو می‌باشد» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۹).

بدین ترتیب، ملک قاورد به تمام نواحی کرمان لشکر کشید و آن نواحی را تصرف کرد و ملکی یکپارچه ترتیب داد (باستانی‌پاریزی، ۱۳۵۵: ۳۵ و ۳۶). وی کرمان را به حالتی نیمه مستقل درآورد و دستور داد، پرچمی به شیوه سلجوقیان با نقش تیر و کمان بسازند و بر دستورها، طغرابی با نام و القاب وی ثبت کنند (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۰). او همچنین، برای یکسان سازی و حفظ ثبات عیار سکه‌های قلمروش تلاش و دقت بسیار کرد که بدون تردید، این اقدام وی در رونق تجارت کرمان و نواحی اطراف آن نقشی انکارناشدنی داشت (کرمانی، ۱۳۲۶: ۴).

ملک قاورد به راه‌های تجاری نیز اهمیت داد و برای بهبود وضع بازرگانی و کمک به مسافران و کاروان‌ها، در مسیرهای پر رفت و آمد، تسهیلاتی برقرار کرد؛ از جمله اقدامات وی در این زمینه، ساخت میل‌هایی در

ساخت که به چاه قاوردی مشهور بود و همواره مأموری بر آن قرار داشت (خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۲).

ملک قاورد با چنین اقداماتی، توانست در سرزمین کرمان ثبات و امنیتی کم نظیر ایجاد کند. به طوری که «چهار حد کرمان، چنان شد که گرک و میش، باهم آب خوردی و فراخی به حدی شد که نقله^۱ اخبار آورده‌اند که وقتی در صمیم زمستان به جیرفت می‌رفت چون حرکت رکاب فرمود در بردسیر کرمان، صد من نان، به دیناری سرخ بود. بعد از آنکه به دولتخانه^۲ جیرفت فرود آمد، انهای رأی پادشاه کردند که هم در این هفته در بردسیر، نود من به دیناری کردند و نیز آرد سیاه و تباہ می‌پزند؛ در حال با ده سوار از خواص عزم بردسیر کرد و یک شبانه روز به بردسیر آمد و جمله نان‌بایان را بخواند... پس چند تن از معارف خبازان در تنور تافته نشانند و بسوخت! و باز به جیرفت آمد» (کرمانی، ۱۳۲۶، ۱۰ و ۱۱؛ خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۲ و ۱۳).

با مرگ ملک قاورد، فرزندش کرمانشاه، برسریر پادشاهی نشست؛ اما حکومت وی دوامی نیافت و پس از یک سال درگذشت (خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۴)؛ بنابراین فرزند دیگر ملک قاورد، یعنی سلطان‌شاه که در نبرد با سلطان ملک‌شاه، همراه پدر بود، پس از رهایی از اسارت، به کرمان گریخت و حکومت را در دست گرفت (شبانکاره‌ای، ۱۳۸۱: ۱۰۲). در همین هنگام بود که سلطان ملک‌شاه سلجوقی برای برانداختن خاندان قاورد، عزم کرمان کرد و هفده روز آن را در حصار گرفت؛ اما سرانجام، تلاش‌های سلطان‌شاه در برقراری صلح، به حاصل نشست و ملک‌شاه مُلک کرمان را به وی بخشید (ابن اثیر، ۱۳۷۱: ۹۳/۲۳). سلطان‌شاه پادشاهی عشرت دوست بود و در مدت ده سال سلطنت، به کاری جز لُهو و لعب نپرداخت (صرفی، ۱۳۸۳: ۱۴۲). وی سرانجام، به مرض استسقاء درگذشت (وزیری، ۱۳۷۵: ۳۵۸/۱).

با مرگ سلطان‌شاه، امیران لشکر تنها برادر وی، یعنی تورانشاه را که از جانب برادر، حاکم بم بود به بردسیر بردند و بر تخت سلطنت نشاندند. افضل‌الدین کرمانی راجع به وی، چنین بیان می‌کند: «چون قباہ ملک بر قامت قد او راست بایستاد، ساز عدلی ساخت که مردم نواحی‌ها انصاف نوشروان فراموش کردند و از لطایف حسن سیرت، مثلثی آمیخت که غالیه عهد عُمر (بن عبدالعزیز) در جنب آن بوی نداد» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۷). در عهد وی، مردم عمان شورش کردند و شحنة‌های کرمان را از شهر بیرون راندند؛ اما این ناآرامی با درایت و کاردانی ملک تورانشاه و ارسال سریع نیروی نظامی، به زودی سرکوب شد و باری دیگر آرامش به آن ناحیه بازگشت. ناحیه‌ای که از نظر تجاری و بازرگانی، بسیار مهم و برای سلاطین سلجوقی کرمان، از ارزشی فراوان برخوردار بود (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۶ و ۱۷). اقدام دیگر ملک تورانشاه در زمینه تجارت، جایگزین کردن جزیره کیش، به جای بندر سیراف، به عنوان مرکز تجارت خلیج فارس بود؛ بدین ترتیب شد که به تدریج، امرای جزیره کیش قدرت یافتند و همواره، با ملوک هرمز از لحاظ بازرگانی، در رقابت بودند (بیات، ۱۳۷۴: ۲۹).

پس از مرگ تورانشاه، فرزندش ایران‌شاه بر تخت سلطنت نشست. وی را بدنام‌ترین پادشاه قاوردی می‌دانند؛ چرا که تمام حکومت پنج ساله‌اش را صرف عیش و عشرت و نابودی تبار و ذریه قاوردی کرد و به تجارت اهمیت نداد و اقدامی در این زمینه، از وی به ثبت نرسیده است. «در زمان حکومت ایران‌شاه، کفر و الحاد در دستگاه حکومتی رونق گرفت. وی اتابکی داشت به نام نصیرالدوله که شخصی متدین بود و مدام ایران‌شاه را نصیحت می‌نمود تا با او باش و اراذل که یکی از آن‌ها کاکابلیمان نام داشت معاشرت ننماید» (وزیری، ۱۳۷۰: ۳۶۳/۱)؛ اما ایران‌شاه، به نصیحت اتابکی

خود گوش نکرد و سرانجام نیز، با شورش مردم کرمان مواجه شد و به قتل رسید (کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۱).

پس از ایرانشاه، تنها بازمانده آل قاورد، یعنی ارسلانشاه اول، به حکومت رسید و به مدت ۴۲ سال در مسند سلطنت بود. با تأملی در دوران طولانی حاکمیت این سلطان جدید، می‌توان دریافت که «تجارت و بازرگانی در عهد وی توسعه یافت» (مرسلپور، ۱۳۸۷: ۱۴۵). کرمان در روزگار او، رو به آبادانی گذاشت؛ چنان‌که از نظر خرمی و طراوت، با خراسان و عراق برابری می‌کرد. کاروان‌های تجاری روم، خراسان، عراق و در یک کلام تمام جهان، مسیر خود را به سوی هندوستان، حبشه، زنگبار، چین و مناطق اروپایی از طریق ساحل‌های کرمان، تنظیم می‌کردند (صرفی، ۱۳۸۳: ۱۴۶). ملک ارسلان همچنین، در شهرهای کرمان، برای رفاه حال مردم و مسافران، بناهایی نظیر مدارس و کاروانسراها ساخت (کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۲). وی همسری داشت به نام زیتون خاتون که منابع از او به خردمندی و نیکی یاد کرده‌اند. این زن ملقب به عصمت‌الدین بوده و بسیار در کانون توجه و حمایت ارسلانشاه بود. او در کرمان، به امور خیری، همچون ساخت مدارس و کاروانسراهای بسیاری همت گماشت و نام خویش را در تاریخ این سرزمین جاودان کرد (کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۳).

در زمان ملک محمد، فرزند و جانشین ملک ارسلان، تجارت همچنان راه ترقی خود را طی کرد. وی پانزده سال، یعنی از سال ۵۳۶ تا ۵۵۱ ق، پادشاهی کرد (وزیری، ۱۳۷۰: ۳۶۷/۱ و ۳۶۸). ملک محمد سرزمین کرمان را به محیطی پر از ترس و ارعاب، بدل ساخته بود و «بر اثر سازمان عظیم جاسوسی و پنهان پژوهی که او [ملک محمد] فراهم آورده بود، چنان شده بود که هیچ کس در هیچ باب نمی‌توانست به اطمینان، اظهار حیاتی نماید. او توقع داشت که این

سازمان‌ها حتی زاد و ولد سگ و گربه‌ها را هم به او خبر بدهند و همه این مقدمات، ظاهراً از ترس بازگشت برادر فراری‌اش، سلجوقشاه و احتمالاً فعالیت طرفداران او بوده است که این وسواس او به سرحد جنون رسیده بود» (خییصی، ۱۳۴۳: ۹). شاید به سبب همین اقدامات سختگیرانه، ملک محمد بود که به هنگام مرگ وی، امنیت در سرتاسر قلمرو سلاجقه، کرمان برپا بود. به قول نگارنده کتاب تاریخ افضل: «ملک مغیث‌الدین و الدین محمد پادشاهی بود عادل، ساینس، دانا، پیش‌بین، عالم‌دوست، علم‌پرور، حق‌گستر، پادشاهی کوه از مه‌بابت او شبیر در بیشه، شب نگریدی خواب با شمول سیاستش در جوی جز به فرمان او نرفتگی آب در سخن هرچه گفته عین صواب در سخا هرچه کرده محض کرم کرمان به دور دولت او حرم عدل و امن شد و (محل) آرام و آسایش و سکون» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۲۴). پس از مرگ ملک محمد، فرزندش طغرلشاه با کنار زدن برادر خویش، به نام محمود شاه، بر تخت سلطنت کرمان نشست و دوازده سال نیز بر مقام خویش برقرار بود (باستانی پاریزی، ۱۳۵۵: ۴۵). طغرلشاه در حالی به سلطنت رسید که پدرش، ملک محمد، امنیت کامل را در کرمان حکمفرما کرده و در سایه این امنیت و آرامش، تجارت را رونق بخشیده بود. این امر سبب شد سلطان جدید، رو به عشرت و خوشگذرانی نهد و از اداره مملکت خود، غافل شود: «... دوازده سال و کسری بر بساط نشاط و ساحت راحت [در سهو لهو نشست] و پشت به چهار بالش آسایش بازداد و در آن دور رواج اهل ملامی و نفاق اصحاب طرب ظاهر شد و رعیت به موافقت (آسایش) الناس علی دین ملوکهم (و متابعت الناس بزمانهم شبه منهم بآبائهم) روی به میخانه نهادند و

رکوع صراحی را سجود می‌کردند و روزگاری خوش می‌گذشت... بر سریر سرور جای همه بر بساط نشاط، پای همه» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۰).

ملک طغرلشاه رو به عشرت و خوشگذرانی نهاده بود؛ اما وجود اتابکان کاردانی همچون خواجه اتابک علاءالدین بوزقش، امنیت و آسایش را به کرمان بازگردانده بود. این اتابک با درایت و کاردانی خود، نه تنها توانست آرامش و امنیت قلمرو سلاجقه^۲ کرمان را فراهم آورد، بلکه سال‌های سلطنت طغرلشاه سلجوقی را نیز به یکی از درخشان‌ترین دوره‌های حکومتی سلاطین سلجوقی بدل کرد. همه این مهم، به همت این اتابک کاردان، به دست آمد؛ چرا که خود طغرلشاه به قول اکثر منابع، «... بر بساط نشاط و ساحت راحت [در سهو لهو نشست] و پشت به چهار بالش آسایش باز داد...» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۱۸ و ۱۹). خواجه اتابک علاءالدین نه تنها به اوضاع سیاسی قلمرو سلاجقه^۲ کرمان ثبات بخشید، بلکه در سایه^۳ این آرامش سیاسی، مقدمات رشد تجارت و پیشرفت اوضاع اقتصادی این دولت را نیز فراهم ساخت: «گویند در زمان طغرلشاه، عشور ابریشم مکران به سی هزار دینار رسید و تمغای بندر تیز پانزده هزار دینار اجاره رفت. در بلوچستان [نیز] آبادانی زیاد کرده است...» (خبیسی، ۱۳۴۳: ۴۶).

با مرگ طغرلشاه، امنیت و آسایش از کرمان رخت بر بست و دوران پر آشوب کشمکش‌های فرزندان وی برای کسب قدرت، کرمان را به ویرانی کشاند. در این میان، سه تن از پسران طغرلشاه، یعنی ارسلانشاه و بهرامشاه و تورانشاه، به جان یکدیگر افتادند و هر کدام با یاری گرفتن از دولت‌های همجوار، همچون فارس، یزد، عراق و خراسان، به کرمان لشکرکشی کردند (مرسلپور، ۱۳۸۷: ۸۴). در این بیست سال پایانی حکومت قاوردیان، کرمان در آتش این

اختلاف‌ها و درگیری‌ها سوخت و مراکز تجاری مهم آن نیز رو به ویرانی نهاد. در واقع، باید گفت هر آنچه سلاطین پیشین سلجوقی کرمان، در جهت توسعه تجارت این سرزمین رشته بودند، به یکباره پنبه شد. این کشمکش‌ها نه تنها تجارت و مراکز تجاری را رو به رکود برد، بلکه قحطی و گرسنگی را جایگزین فراخی و آسایش مردم کرمان کرد. به طوری که «در کرمان قحطی مفرط ظاهر شد و سفره وجود، از مطعومات چنان خالی که دانه در هیچ خانه نماند. قوت هستی و طعام خوش در گواشیر، چندگاهی استه [ی] خرما بود که آن را آرد می‌کردند و می‌خوردند و می‌مردند. چون استه نیز به آخر رسید؛ گرسنگان، نطع‌های کهنه و دلوه‌های پوسیده و دبه‌های دریده، می‌سوختند و می‌خوردند و هر روز چند کودک در شهر گم می‌شدند که گرسنگان، ایشان را به مذبح هلاک می‌بردند و چند کس فرزند خویش طعمه ساخت و بخورد. در همه شهر و حومه، یک گربه نماند و در شوارع، روز و شب سگان و گرسنگان در کشتی بودند؛ اگر سگ غالب می‌آمد، آدمی را می‌خورد و اگر آدمی غالب می‌آمد، سگ را...» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۹۱).

در این اوضاع آشفته، هر کدام از فرزندان طغرلشاه، برای رسیدن به تاج و تخت کرمان، علاوه بر لشکرکشی‌های ویرانگر خود به شهرها و بنادر مختلف این ایالت، از حکام بلاد همجوار، یعنی فارس و خراسان و عراق عجم، نیز مدد خواسته و لشکریان بلاد دیگر را نیز، به ویرانی کرمان فرا می‌خواندند. بدون شک هر لشکرکشی به منزله از بین رفتن امنیت و ثبات و آرامشی بود که در سایه آن، تجارت و بازرگانی رونق می‌یافت و پر و بال می‌گرفت. این لشکرکشی‌ها صدمات جبران‌ناپذیری بر پیکره کرمان، راه‌های تجاری و به طور کلی، بازرگانی این ایالت

راه‌های تجاری کرمان در عهد حاکمیت سلجوقیان

ایالت کرمان از گذشته‌های بسیار دور، دارای راه‌های تجاری مهمی بود که برخی از این راه‌ها، هم‌زمان با حاکمیت شاهان سلجوقی بر این ایالت، بازسازی شده یا امنیت آن‌ها برقرار شد. این مسیرهای تجاری، عبارت بودند از:

الف. راه کرمان به سیستان: این راه، همان راهی است که ملک قاور در مسیر آن، میل‌ها و مناره‌هایی برای آسایش تجار و مسافران برپا کرد و همین مسئله نیز، نشانگر اهمیت فراوان این راه تجاری است. راه مذکور راهی کویری بود که ابتدا از بردسیر به خبیص، سپس به نرماشیر و از آنجا در قسمت باریک کویر، از فهرج گذشته و پس از طی چهار منزل دیگر، به سنج یا اسپ (سپه) در سیستان وارد می‌شد. سرانجام به زرنج، کرسی این ایالت، می‌رسید (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۵۱). این راه در ادامه، به سمت ماورالنهر امتداد می‌یافت. بخشی از مناسبات تجاری کرمان با مناطق شرقی ایران، از این طریق صورت می‌گرفت (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷). یکی از منزلگاه‌های این راه، شهر نرماشیر بود که شهری مهم محسوب می‌شد و محلی برای دادوستد بازرگانان، به خصوص اهل خراسان، با ناحیه عمان بود. به علاوه، این راه در مسیر حاجیان سیستان واقع بود و بازاری داشت که کالاهای هندی در آن عرضه می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۳۵؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۰). شاخه‌ای از این راه، به سمت جنوب مکران (بلوچستان کنونی)، به بندر تجاری تیز در حاشیه شمال شرقی دریای عمان می‌رسید (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷).

ب. راه کرمان به قُهستان: ابتدای این راه از شهر راور، در چند فرسخی شرق کوهبنان آغاز می‌شد و پس از طی پنج منزلگاه، به نابند در کویر لوط رسیده و با طی سه منزلگاه، از کویر گذشته به شهر خور در

وارد ساخت؛ برای نمونه یکی از این صدمات، لشکرکشی شاهزاده بهرامشاه، با کمک لشکر خراسان، به کرمان بود. این لشکر پس از پیروزی و ورود به جیرفت، مشغول غارت ناحیه قمادین، یعنی بارگاه و قطب تجاری کرمان شدند و آن را به ویرانی کشاندند. به نحوی که دیگر نتوانست کمر راست کند و به جایگاه پیشین خود، بازگردد. بدین ترتیب، این مرکز تجاری مهم که «مسکن غرباء روم و هند و منزل مسافران بر و بحر [و] خزینه [ی] متمولان [عالم] و گنج خانه ارباب بضایع شرق و غرب [بود]، به دست لشکر (خراسان) افتاد و استباحه آن خطه محمی و افتراع آن عروس دوشیزه، بر دست ایشان رفت و آن را عالی‌ها سافل‌ها کردند و چند روز در جیرفت و رساتیق و نواحی، بازار نهب و غارت قایم بود و قتل و شکنجه و تعذیب دایم...» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۴۱).

ضربه نهایی را نیز طوایف ویرانگر غز، به سرکردگی ملک دینار، بر پیکر نیمه جان دولت و تجارت کرمان وارد کردند و به تبع آن، آسایش و امنیت به کلی از میان رفت و تجارت نیز با رکودی بی‌سابقه مواجه شد. افضل‌الدین کرمانی که خود این وقایع را به چشم دیده است، اوضاع آن روزگار را چنین تشریح می‌کند: «هنوز تا این غایت، ربض بردسیر مسکون و منازل معمور و سقف‌ها مرفوعو بازارها بر جای و کاروانسرای‌ها برپای بود تا هجوم غزروی نمود، به کلی عمارت ربض برافتاد و رعایا بعضی مردند و بعضی جلای وطن کردند تا کار به آنجا رسید که کرمان در عموم عدل و شمول امن و دوام خصب و فرط راحت و کثرت نعمت فردوس اعلی را دوزخ می‌نهاد و با سغد سمرقند و غوطه دمشق، لاف زیادی می‌زد، امروز در خرابی، دیار لوط و زمین سبا را سه ضربه نهاد» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۹۴؛ خبیصی، ۱۳۴۳: ۱۳۵).

قهستان می‌رسید. در بین این راه، هر سه چهار فرسخ (تقریباً بین هیجده تا بیست و چهار کیلومتر)، حوض‌های آبی برای آسایش مسافران تعبیه شده بود؛ همچنین راه دیگری، از شهر کویری خبیص (شهاداد امروزی) شروع می‌شد و پس از طی ده منزلگاه، به شهر خوسف قهستان می‌رسید (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷).

ج. راه‌های کرمان به خراسان: راه‌هایی که از کرمان، به قهستان و سیستان می‌رفتند، در ادامه، به خراسان امتداد می‌یافتند. این راه‌ها پس از طی چندین منزلگاه، از یک سو به شهرهای اسفند و نیشابور و از جانب دیگر، به پوشنج، در چند فرسخی هرات می‌رسیدند (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷). همچنین راه بیابانی دیگری، از کرمان به هرات وجود داشت که در مسیر آن، هیچ گونه آبادانی، جز چند حلقه چاه آب، وجود نداشت (ابن‌رسته، ۱۳۶۵: ۲۰۲). اما راه اصلی ارتباطی که کرمان را به خراسان متصل می‌کرد بدین صورت بود که از شهر راور آغاز می‌شد و پس طی منازل دربند، دهوک، طبس، گناباد، زاوه (ترت حیدریه) و ترشیز به نیشابور، از شهرهای مهم خراسان، می‌رسید. یک شاخه از این راه، از دربند به بیرجند و از آنجا به گناباد می‌رفت. راه مهم دیگری نیز، از خبیص به بیرجند می‌آمد و از آنجا به گناباد می‌رفت و با طی کردن قائن و گناباد، به تربت حیدریه و نیشابور می‌رسید. بهرامشاه سلجوقی که یکی از مدعیان تاج و تخت دولت آل قاورد، در سال‌های پایانی این حکومت بود و با برادرانش، یعنی ارسلانشاه و تورانشاه، درگیری داشت، برای یاری جستن از لشکر مؤیدالدین آی‌ابه، حاکم خراسان، از این راه به جانب آن دیار رهسپار شد (کرمانی، ۱۳۲۶: ۳۸).

یکی از شاهراه‌هایی که از بغداد به ماورالنهر می‌رسید، پس از عبور از فارس و گذشتن از بردسیر، به خراسان می‌رفت. در طول این مسیر، کاروان‌های تجاری بسیاری حرکت می‌کردند و کالاهای تجاری

مختلف را از بغداد به خراسان و بالعکس، عبور می‌دادند. از همین رو و با توجه به اینکه کرمان نیز در مسیر این کاروان‌های تجاری قرار داشت، کالاهای مختلف در کرمان نیز دادوستد می‌شد؛ به طور کلی، تجارت میان دو ایالت کرمان و خراسان که بخش اعظم شرق ایران را در بر گرفته بودند، از رونق فراوانی برخوردار بود و از همین رو، این راه‌های تجاری از اهمیتی روز افزون برخوردار بودند (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

د. راه کرمان به فارس و عراق عجم: هم‌زمان با حاکمیت سلجوقیان بر کرمان، راهی از شهرهای سردسیر شمالی کرمان می‌گذشت و از راه بافق، به سوی یزد می‌رفت. این راه در ادامه، به راه ارتباطی شیراز اصفهان می‌رسید و این‌گونه با فارس و عراق عجم ارتباط می‌یافت. راه دیگری نیز، از طریق شهر بابک به بخشی از شبانکاره، وارد می‌شد و سپس، به فارس می‌رسید؛ همچنین راه دیگری نیز، از سیرجان به ناحیه اصطهبانات در شبانکاره، می‌رفت و سپس، از طریق سروستان به شیراز وارد می‌شد (رضوی، ۱۳۸۸: ۲۷).

راه‌هایی که از ایالت کرمان به فارس می‌رفتند در بیمند (میمند) به هم می‌رسیدند. راهی از میمند به ناحیه رودانِ رفسنجان می‌رفت و دو راه دیگر، از سیرجان تا صاهک بزرگ که یکی از شهر بابک می‌گذشت و دیگری از کویر (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۴۳؛ ابن‌حوقل، ۱۳۶۶: ۷۹). در واقع، شهر میمند نقطه‌ای بوده که سه جاده مهم تجاری، در آن به هم می‌رسید و کالاهای تجاری مختلف، در این منزلگاه، با یکدیگر مبادله و معاوضه می‌شد. از همین رو، این راه‌های تجاری از اهمیتی روز افزون برخوردار بودند و به ویژه در عهد ملک قاورد و ملک ارسلانشاه اول، توجهی خاص به آن‌ها می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۳۳؛

ان خرداد به، ۱۸۸۹: ۵۳ و ۵۴).

می‌رسید. این جاده به شکل مستقیم شمالی جنوبی، از بندر تیز در سواحل عمان آغاز می‌شد و پس از عبور از مکران و سیستان و خراسان، به ناحیه ماوراءالنهر می‌رسید؛ سپس از آنجا، به ولگا ختم می‌شد. این جاده سواحل عمان، دریای سرخ، اقیانوس هند و دریای چین را به آسیای مرکزی پیوند می‌داد (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۰ و ۸۱).

مراکز و بنادر و جزایر تجاری در عصر سلجوقیان کرمان

الف. قمادین (کمادین): عمده‌ترین بارگاه تجاری کرمان که در عصر سلجوقیان، از شهرت و اهمیت فراوانی برخوردار بوده، ناحیه کمادین در جیرفت بود. کالاهایی که از جزایر و بنادر دریا، همچون هرمز و تیز به سمت کرمان می‌آوردند، در این ناحیه، بازراندازی شده و سپس از آنجا، به نواحی اطراف، ارسال می‌شد. بر طبق روایات، «سلسله کاروان‌هایی که سیصد چهارصد شتر داشتند هرگز مقطوع نمی‌شد، شترهای این کاروان‌ها یک راست به میدان عظیم و بارانداز معروف شهر که به «قمادین» شهرت داشت وارد می‌شد و در آنجا زانو می‌زد» (خبیصی، ۱۳۴۳: مقدمه/۱۲). در واقع، قمادین انبارگاه و منبع ذخیره کالاهای بازرگانانی بود که از ممالک گوناگون، رو به سوی کرمان نهاده بودند (صفا، ۱۳۹۰: ۹۶). نویسنده کتاب تاریخ افضل، در باب این مکان، چنین بیان می‌کند که: «قمادین موضعی است بر در جیرفت مسکن غرباء روم و هند و منزل مسافران بر و بحر، خزینه متمولان عالم و گنج خانه ارباب بضایع شرق و غرب...» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۴۱).

تجارت جیرفت و به خصوص قمادین، در اوایل عهد سلجوقیان کرمان و به ویژه در عهد سلاطینی همچون ملک قاورد و ملک ارسلانشاه اول، رونقی روز

ه. راه‌های کرمان به سواحل خلیج فارس: در قرون میانه اسلامی، بسیاری از راه‌های تجاری مهم دنیا، از بنادر ایران می‌گذشت؛ زیرا هنوز کانال سوئز اهمیت نیافته بود؛ برای نمونه، راه هرموز از مهم‌ترین راه‌های تجاری آن روزگار محسوب می‌شد. این راه از سایر راه‌های تجاری جنوب ایران، اهمیت بیشتری داشت؛ چرا که علاوه بر کوتاه‌تر بودن، سراسر مسیر آن آبادان بود. این راه از بندر هرموز که در عهد سلجوقیان کرمان، جزئی از قلمرو این دولت محسوب می‌شد و به عبارتی، «بارگه کرمان» (ناشناس، ۱۳۶۲: ۱۲۷) و پیش بندر میناب به شمار می‌رفت، شروع شده و پس از عبور از کنار دره‌های رودان و جغین و منوجان، به رودبار و سپس، به جیرفت وارد می‌شد و از آنجا به بردسیر (شهر کرمان کنونی) پایتخت آن زمان ایالت کرمان می‌رفت. این راه در ادامه مسیر خود، از شهرهای چترود و زرنند و کوهبنان عبور می‌کرد و به سمت یزد و خراسان و نواحی دیگر کشور می‌رفت (خبیصی، ۱۳۴۳: مقدمه/۱۲؛ عباسی، ۱۳۹۰: ۳۰۴). از این راه همچنین، در ناحیه ولاشگرد راهی به سمت غرب، یعنی مرزهای فارس، منشعب می‌شد و از آبادی‌هایی می‌گذشت که اکنون از میان رفته‌اند و اثری از آن‌ها باقی نیست. به همین علت نیز مشخص کردن انتهای این راه مشکل است (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۴۴). راه دیگر که به راه ادویه یا فلفل نیز مشهور شده، از چین آغاز می‌شد و از مهم‌ترین راه‌های تجاری آن عهد بود. این راه پس از رسیدن به خلیج فارس، به راه هرمز کرمان می‌پیوست و پس از عبور از کرمان، وارد عراق عجم می‌شد و با جاده ابریشم ارتباط می‌یافت (رضوی، ۱۳۸۸: ۳۳).

و. راه مکران به ماوراءالنهر: در عصر سلجوقیان، راه جدیدی تأسیس شد که از سواحل مکران به ماوراءالنهر

اهل هند و سند و حبشه و زنج و مصر و دیار عرب از عمان و بحرین را فرضه آنجاست و هر مشک و عنبر و نیل و بقم و عقاقیر هندی و برده هند و حبشی و زنگی و مخمل‌های لطیف و وسادهای پراگین و فوط‌های دنبلی و امثال این طرایف که در جهانست ازین ثغر برند» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۷). باسقوط دولت سلجوقیان و حمله غزها به کرمان و مکران، بندر تیز نیز اعتبار خویش را از دست داد و از رونق افتاد (کرمانی، ۲۵۳۶: ۸۵).

ج. کیش و هرمز: این مناطق در قرون پنجم و ششم هجری، جای بندر تجاری سیراف در فارس را گرفتند. سیراف در قرن چهارم، در روزگار آل‌بویه، از اهمیت بازرگانی بسیاری برخوردار بود. این بندر پس از شیراز، مهم‌ترین شهر استان فارس محسوب می‌شد و تاجران و سرمایه‌داران سیرافی، بر سواحل و آب‌های خلیج فارس تسلط کامل داشتند (نایبیور، ۱۳۸۹: ۴۶). اما بندر سیراف هم‌زمان با پایان قرن چهارم، در اثر ناامنی و آشوب‌های گسترده‌ای که پس از مرگ عضدالدوله دیلمی، فارس و بخش‌های ساحلی آن را در بر گرفت و همچنین، وقوع زلزله‌ای مهیب در سال ۳۶۶ یا ۳۶۷ق، موقعیت و رونق خویش را از دست داد. این امر باعث شد که بسیاری از بازرگانان و تجار به مناطق دیگری، همچون کیش و هرمز و تیز مهاجرت کنند (بختیاری، ۱۳۵۷: ۷). بارتولد تجارت عمده این عصر با هندوستان را از طریق بندر هرمز و جزیره کیش می‌داند که پیوسته با یکدیگر، در رقابت بودند (بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۴۶). جزیره کیش در قرون پنجم و ششم و هفتم هجری، مرکز سیاسی تجاری خلیج فارس و بندرگاه کشتی‌های چین، هند، بصره و بغداد بود. این جزیره در قرن ششم، مهم‌ترین شهری بود که با آفریقای شرقی، روابط تجاری داشت (بختیاری، ۱۳۵۷: ۱۴).

بندر هرمز نیز در این عصر، از اهمیت تجاری

افزون داشت؛ اما این رونق و شکوفایی در اواخر عهد سلجوقیان کرمان، به شدت تضعیف شد و به علت اختلاف‌ها و درگیری‌های شاهزادگان سلجوقی و لشکرکشی‌هایی که به این منطقه انجام می‌دادند رو به ویرانی نهاد: «قمادین که محط رحال رجال آفاق و مخزن نفایس چین و خطا و هندوستان و حبشه و زنگبار و دریابار و روم و مصر و ارمنیه و آذربایجان و ماوراءالنهر و خراسان و فارس و عراق بود و جیرفت و رساتیق را زیر و زبر گردانیدند و آنچه دیدند از صامت و ناطق رده و نیل و بقم و غیره همه [غارت کردند]» (کرمانی، ۱۳۲۶: ۶۹). سرانجام نیز، غزها آنجا را منهدم ساختند. چنان‌که دیگر نتوانست کمر راست کند و به جایگاه پیشین خود بازگردد.

ب. بندر تیز: این بندر در ناحیه مکران، در سواحل دریای عمان قرار داشت. در این عهد، مکران از ایالات تحت سلطه حکومت کرمان بود. سلجوقیان کرمان به این بندر، اهمیت می‌دادند و به همین علت نیز، راه ترقی را می‌پیمود و روز به روز، از جایگاه ممتازتری برخوردار می‌شد. این بندر در قرن چهارم نیز، دارای فعالیت تجاری بود؛ اما اوج شکوفایی آن را باید، مربوط به عصر سلاجقه کرمان، در قرون پنجم و ششم دانست. این بندر بر سر راه تجاری خلیج فارس به هندوستان قرار داشت و چنان‌که در بحث راه‌ها ذکر شد، از این بندر راهی به صورت مستقیم، به منطقه ماوراءالنهر می‌رفت (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۰ و ۸۱).

بندر تیز با ناحیه قمدین در جیرفت که جایگاه بین‌المللی بازرگانان ملل گوناگونی همچون هند، چین، مصر، زنگبار، حبشه، ارمنیه و آذربایجان محسوب می‌شد، رابطه نزدیکی داشت (خیراندیش، ۱۳۸۶: ۸۰ و ۸۱). نویسنده تاریخ افضل، برآن است که: «... از خصایص کرمان، ثغر تیزست که از آنجا مال‌های وافر از عشور تجار و اجرت سفاین به خزاین پادشاه رسد و

حبشی و زنگی و مخمل‌های لطیف، و ساده‌های پراگین و فوط‌های دنبلی و امثال این طرایف که در جهانست ازین ثغر برند و به جنب تیز ولایت مکرانست که معدن فانید و قندست و ازین دیار به جمله اقالیم کفر و اسلام برند و بر جنوب جیرفت ناحیت هرمزست ولایتی معمور بر لب دریا... و ارتفاع او زر خراجی و اسب تازی و مروارید باشد و امروز فرضه آن ساحلست و قوافل عراق روی بوی دارد و مرکز ثوری دریابار و مقصد تجار اقطار آنجاست» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۷ و ۱۲۸). علاوه بر وی، جغرافی‌دانان دیگر نیز ضمن شرح شهرهای کرمان، به کالاهای تجاری این ایالت اشاره کرده‌اند. مهم‌ترین محصولی که از شهرهای کرمان به سایر بلاد ارسال می‌شد، خرما بود. طبق گفته نویسنده تاریخ افضل: «از شهرهای نواحی بردسیر، خبیص است که ولایتی اندکست و از وی خرما به اقصی بلاد عالم برند و از نواحی بردسیر، کوبانست که از آنجا، توتیا خیزد و به همه جهان از آنجا نقل کنند» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۳۱).

نویسنده حدود العالم محصولات کرمان را خرما، زیره، نیل، نیشکر و پانید (فانید = قند و شکر یا نبات)، معرفی کرده است که محصولات گرمسیری آن محسوب می‌شوند. گرچه خرمای آن بر دیگر محصولات، برتری دارد (ناشناس، ۱۳۶۲: ۱۲۶ و ۱۲۷). اصطخری نیز در مسالک و ممالک از این محصولات نام برده و حدود کشت آن‌ها را از ناحیه مغون و ولاشگرد، تا هرمز مشخص کرده است. وی همچنین گوید که از ناحیه خواش، «پانید، خیزد و به سیستان برند و دادوستد به درم باشد» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۴۳ و ۱۴۴).

مقدسی از منوجان با عنوان بصره کرمان، یاد کرده که خرمای خراسان، از آنجا تأمین می‌شده است (مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۸) و یاقوت حموی، خرمای کرمان

چشمگیری برخوردار بود. مهاجرت ملک محمد درمکوه، به هرمز و پایه‌گذاری حکومت ملوک هرمز، در نیمه دوم قرن پنجم هجری، منجر به تجدید قدرت اقتصادی این ناحیه شد. سلاطین سلجوقی کرمان نیز، به هرمز توجه داشتند. از جمله اقدامات ملک قاورد سلجوقی، پس از تصرف این بندر، تعمیر راه تجاری هرمز به جیرفت و همچنین، برقراری امنیت این مسیر، با سرکوبی قوم غارتگر و راهزن قفص بود (عباسی، ۱۳۹۰: ۳۰۳). روایت تاریخ افضل از هرمز این چنین است: «بر جنوب جیرفت، ناحیت هرمزست؛ ولایتی معمور بر لب دریا و ارتفاع او زر خراجی و اسب تازی و مروارید باشد و امروز فرضه آن ساحلست و قوافل عراق روی بوی دارد و مرکز ثوری دریابار و مقصد تجار اقطار آنجاست» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۸). گفتمنی است که در آن روزگار، هرمز نام شهری در خشکی بود که بعدها، به نام هرمز کهنه شناخته می‌شد نه جزیره‌ای که با این نام در خلیج فارس قرار دارد.

کالاهای تجاری کرمان در عهد حاکمیت سلجوقیان

کرمان سرزمین وسیعی است که محصولات گوناگونی در آن به عمل می‌آید و به نواحی دیگر، صادر می‌شود. چنان‌که اصطخری در این باره، چنین بیان می‌کند که: «به کرمان، گرمسیر و سردسیر است و در هم آمیخته بود و از میوه‌ها، همه گونه باشد» (اصطخری، ۱۳۶۸: ۱۳۹). ابوحامد افضل‌الدین کرمانی، مورخ دربار سلجوقیان، از شهرهای کرمان در این عهد، دیدن کرده و محصولات و کالاهای آن‌ها را شرح داده است: «از خصایص کرمان ثغر تیزست که از آنجا مال‌های وافر از عشور تجار و اجرت سفاین به خزاین پادشاه رسد و اهل هند و سند و حبشه و زنج و مصر و دیار عرب از عمان و بحرین را فرضه آنجاست و هر مشک و عنبر و نیل و بقم و عقاقیر هندی و برده هند و

را از خرماى بصره، برتر دانسته است (حموی، ۱۳۸۰: ۱۱۸/۲). حمدالله مستوفی محصولات هرمز را نخل و نیشکر و محصولات شهر بابک و سیرجان و ریگان را غله و پنبه و خرما، معرفی کرده است (مستوفی، ۱۳۶۲: ۱۴۱).

این محصولات به همه مناطق صادر می‌شد؛ از جمله خرما به خراسان و نیل به فارس؛ همچنین غلات به دست آمده از ناحیه ولاشگرد، به هرمز و سپس از هرمز به وسیله کشتی‌های تجاری، به سایر ممالک ارسال می‌شد (لسترنج، ۱۳۶۷: ۳۴۳).

اما کالاهای دیگری که از جزایر و بنادر خلیج فارس، به سایر ممالک صادر می‌شد، مروارید و اسب بود (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۸؛ حافظ ابرو، ۱۳۷۸: ۱۶). در واقع، خلیج فارس معدن مروارید محسوب می‌شد (اصطخری، ۱۳۶۸: ۳۴). در این زمینه، کیش پیشرو بوده و از زمانی پیشتر، مرکز مبادله و دادوستد مروارید بود (بیات، ۱۳۷۲: ۳۰). در کل، می‌توان صادرات عمده کیش را اسب، مروارید، قماش، خرما و ماهی خشک دانست که تجارت مروارید از اهمیت بیشتری برخوردار بود (بختیاری، ۱۳۵۷: ۱۶). بارتولد نیز صادرات عمده کیش و هرمز را در عهد سلجوقیان کرمان، اسب دانسته است (بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۶۶).

از دیگر محصولات و کالاهای تجاری سرزمین کرمان، ابریشم و پارچه‌های ناحیه بم بوده است. در بم، پارچه‌هایی گران‌بها و زیبا و با کیفیتی بافته می‌شده که به تمام دنیای اسلام، از خراسان و عراق گرفته تا مصر در آفریقا، صادر می‌شده و در این نواحی، طرفداران بسیاری داشته است. در واقع، بم مرکز صنعتی کرمان محسوب می‌شد: «و از بلاد کرمان شهر بم است ولایتی معمور، بسیار ارتفاع و بمثل گویند که هیچ چشم زمین بم بی‌ارتفاع ندیده است و از آنجا ابریشم خیزد و جامه‌ها مرتفع...» (کرمانی،

۲۵۳۶: ۱۲۸). علاوه بر بم، در شهر نرماشیر نیز پارچه‌هایی برای آستر لباس، بافته می‌شد و به مقدار بسیاری، به فارس و عراق صادر می‌شد: «... [ولایت] شرقی شهر بم، نرماشیرست. ولایتی نزه و بقعه فسیح رقع، در وی فواکه بردسیر و گرمسیر و ابریشم بسیار و دخل‌های متواتر. و من وقتی در خدمت مجدالدین بن ناصح‌الدین، از بم می‌آمدم و در ناحیت دارزین بر بام سرای ملک، نشسته بودیم و در آن دی‌های متصل و مزارع متسق و انهار مطرد نگاه می‌کردیم پنداشتیم بر زمین آن ناحیت بساطی زمردین گسترده‌اند و بدر و مرجان مرصع کرده و آن انهار سلسبیل ذوق تسنیم مزاج بطون حیاتست و در صفا آب حیات...» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۲۹). توتیا (سرمه چشم) نیز محصول دیگری بود که به عنوان دواى چشم، از کرمان به ممالک دیگر صادر می‌شد. مرکز تولید آن، شهر کوهبنان بود (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۳۱؛ بارتولد، ۱۳۷۲: ۱۵۰؛ مقدسی، ۱۳۶۱: ۶۸۴).

در مجموع، سرزمین کرمان هم‌زمان با حاکمیت سلجوقیان و به ویژه در زمان حکومت حاکمان قدرتمند و کاردانی همچون ملک قاورود و ملک ارسلان‌شاه اول، از امنیت و آرامش چشمگیری برخوردار بود و در سایه این آرامش، تجارت کرمان نیز رونقی روز افزون یافت. این رونق تجاری سبب شد تا محصولات اکثر شهرهای ایالت کرمان، به سایر نقاط ایران و جهان، صادر شود. محصولاتی که بسیاری از آن‌ها معرفی شد؛ اما بدون تردید، بیان تمامی آن‌ها از حوصله این مقال، بیرون است. به قول افضل‌الدین کرمانی: «اگر آحاد بلاد و نواحی کرمان چون پرک و تارم و دشت بر و بافت و بلاد سرحد که هریک ناحیتی بسیار و شهری نامدار است شرح داده آید سخن از حد اعتدال متجاوز شود...» (کرمانی، ۲۵۳۶: ۱۳۲).

نتیجه

راه‌های تجاری سیستان و کرمان و یزد از دیگر اقدامات اساسی ملک‌قاورد بود؛ د. از بین بردن راهزنان و از جمله قفص‌هایی که در مسیر کاروان‌های تجاری ایجاد مشکل می‌کردند. ۳. در این عصر، نظر تجار و بازرگانان نواحی مختلف جهان، به مناطق تجاری این ناحیه جلب شد و این تنها به علت رونق و شکوفایی بود که در آن عهد و در سایه اقتدار دولت سلجوقیان، نصیب سرزمین کرمان شده بود. ۴. پس از رکود بندر سیراف که تا پیش از آمدن سلجوقیان، مشهورترین و پررونق‌ترین بندر جنوب ایران محسوب می‌شد، با اقدامات و حمایت سلاطین قاوردی، بندر و جزایر تحت تابعیت حکومت کرمان، به ویژه بندر تیز، جای آن را گرفت و محل دادوستد تجاری، از اقصی نقاط جهان بود.

در پایان باید بیان کرد پژوهش در حوزه حکومت‌های محلی و از آن جمله سلجوقیان کرمان، به سبب فقر منابع با دشواری‌های فراوانی روبه‌روست؛ اما نباید از خاطر برد که با اهمیت قائل شدن، برای تحقیق درباره همین حکومت‌ها و خاندان‌های محلی، می‌توان زوایای مبهم تاریخ سیاسی، اجتماعی و به ویژه اقتصادی این حکومت‌ها را روشن کرد. نوشتار حاضر کوشید گامی در راستای بیان وضعیت تجارت یکی از این حکومت‌های محلی، یعنی حکومت سلجوقیان کرمان، بردارد و امید آن دارد که آغازگر راهی باشد که اندیشمندان و پژوهشگران ایران زمین، آن را به مقصد نهایی، منتهی سازند. از همین رو پیشنهاد می‌شود این موضوع، به ویژه در حوزه روابط تجاری میان سلجوقیان کرمان با ملوک همجوار این حکومت، در کانون مطالعه و پژوهش قرار گیرد. امری مهم که همت و عنایت اندیشمندان این سرزمین را می‌طلبد.

نوشتار حاضر، بر آن بود تا ضمن معرفی حکومت سلاجقه کرمان، اوضاع تجاری دوران حاکمیت این دولت، بر ایالت کرمان و نواحی اطراف آن را واکاوی کند؛ سپس وضعیت اصلی‌ترین راه‌ها و مراکز و کالاهای تجاری را هم‌زمان با حاکمیت آنان، تبیین کند. بنابراین از آنچه بیان شده، نتایج زیر حاصل شد:

۱. تأسیس حکومت سلجوقیان در کرمان، آرامشی در این سرزمین پدید آورد که به مدت بیش از یک سده، موجبات رشد و رونق این ایالت را در زمینه‌های گوناگون و از آن جمله تجارت، فراهم کرد. آنان با تصرف کرمان و بیرون کشیدن این ایالت از تسلط آل‌بویه، آن را از حالتی تحت تابعیت، خارج کرده و به یک مرکز مهم سیاسی و به تبع آن، تجاری اقتصادی، مبدل ساختند. بدون تردید، این امر یکی از مهم‌ترین علل رونق اقتصادی و تجاری کرمان، در دهه‌های آغازین حکومت سلجوقیان بر این ایالت بود.
۲. ملک‌قاورد برای بهبود اوضاع اقتصادی کرمان، اصلاحاتی اساسی انجام داد. اصلاحاتی همچون: الف. بازسازی راه‌ها و برقراری امنیت جاده‌های تجاری از ساحل مکران تا مرز خلیج فارس و همچنین، راه‌های تجاری که به کرمان و از این ایالت، به سایر نواحی داخلی ایران منتهی می‌شد؛ ب. ساخت میل‌های بی‌شماری در مسیر حرکت کاروان‌های تجاری که از ساحل بندر تیز (در منطقه مکران) به سوی کرمان و سرانجام خراسان بزرگ در حرکت بودند. کاروانیان با استفاده از این میل‌ها، می‌توانستند مسیر حرکت را به آسانی تشخیص دهند. این میل‌ها که به نام میل‌های قاوردی نیز مشهور بوده تا سده یازدهم هجری قمری پابرجا بودند؛ ج. ساخت کاروانسراهای بسیار در مسیر

کتابنامه

الف. کتاب‌ها

- ابن اثیر، عزالدین علی، (۱۳۷۱)، *تاریخ کامل اسلام و ایران*، ترجمه عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت، تهران: علمی.
- ابن حوقل، (۱۳۶۶)، *صوره الارض*، ترجمه جعفر شعار، تهران: امیرکبیر.
- ابن رسته، (۱۳۶۵)، *اعلاق النفسیه*، ترجمه حسین قره‌چانلو، تهران: امیرکبیر.
- اصطخری، ابواسحق‌ابراهیم، (۱۳۶۸)، *مسالك و ممالک*، ترجمه ایرج افشار، تهران: علمی فرهنگی.
- انصاری، شمس‌الدین محمد، (۱۳۸۲)، *نخبه الدهر فی عجایب البر و البحر*، ترجمه حمید طیبیان، تهران: اساطیر.
- بارتولد، و.و، (۱۳۷۲)، *تذکره جغرافیای تاریخی ایران*، ترجمه حمزه سردادور، تهران: توس.
- باستانی پاریزی، محمدابراهیم، (۱۳۵۵)، *وادی هفت واد*، تهران: انجمن آثار ملی.
- بنداری اصفهانی، (۱۳۵۵)، *تاریخ سلسله سلجوقی و زبده النصره و نخبه المصره*. محمدحسین جلیلی، بی‌جا: بنیاد فرهنگ ایران.
- بویل، جی. آ، (۱۳۸۰)، *تاریخ ایران کمبریج*؛ از آمدن سلجوقیان تا فروپاشی دولت ایلخانان، حسن انوشه، ج ۵، تهران: امیرکبیر.
- بیات، عزیزالله، (۱۳۷۲)، *کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران*، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- حافظ ابرو، ابوحامد شهاب‌الدین عبدالله خوافی، (۱۳۷۸)، *جغرافیای حافظ ابرو*. بی‌جا: بی‌نا.
- حلمی، احمد کمال‌الدین، (۱۳۸۳)، *دولت سلجوقیان*. حجت‌الله جودکی و فرحناز افضلی، قم: حوزه و
- دانشگاه.
- حموی، یاقوت، (۱۳۸۰)، *معجم البلدان*، ترجمه علینقی منزوی، تهران: میراث فرهنگی.
- خبیصی، محمدابراهیم، (۱۳۴۳)، *سلجوقیان و غزدر کرمان*. با مقدمه باستانی‌پاریزی، بی‌جا: صفا.
- دهخدا، علی‌اکبر، (۱۳۷۳)، *لغت‌نامه دهخدا*، تصحیح محمد معین و سیدجعفر شهیدی، ج ۵، تهران: دانشگاه تهران.
- راوندی، محمد بن علی بن سلیمان، (۱۳۶۳)، *راحه الصدور و آیه الصدور در تاریخ آل سلجوق*، تصحیح محمد اقبال، ج ۲، تهران: امیرکبیر.
- شبانکاره‌ای، محمد بن علی بن محمد، (۱۳۸۱)، *مجمع الانساب*، تصحیح میرهاشم محدث، تهران: امیرکبیر.
- ، (۱۳۲۶)، *بدایع الازمان فی وقایع کرمان*. فرآورده مهدی بیانی، تهران: دانشگاه تهران.
- صرفی، محمدرضا، (۱۳۸۳)، *نامه افضل کرمانی*، کرمان: دانشگاه شهیدباهنر کرمان.
- صفا، عزیزالله، (۱۳۹۰)، *تاریخ جیرفت و کهنوج*. کرمان: کرمان‌شناسی.
- کرمانی، افضل‌الدین ابوحامد، (۲۵۳۶)، *عقد العلی للموقف الاعلی*، به‌اهتمام علی محمد عامری نائینی، تهران: روزبهان.
- لسترنج، گای، (۱۳۶۷)، *جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی*، ترجمه محمود عرفان، تهران: علمی و فرهنگی.
- مرسلپور، محسن، (۱۳۸۷)، *تاریخ سلجوقیان کرمان*، کرمان: مرکز کرمان‌شناسی.
- مستوفی، حمدالله، (۱۳۶۲)، *تاریخ گزیده*، تهران: دنیای کتاب.
- مقدسی، أبو عبدالله محمد، (۱۳۶۱)، *أحسن التقاسیم*

- فی معرفه الأقالیم، ترجمه علینقی منزوی، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.
- میرخواند، محمد بن خاوندشاه بلخی، (۱۳۷۵)، روضه الصفا، ج ۴، تهران: علمی.
- ناشناس، (۱۳۶۲)، حدود العالم من المشرق الی المغرب، ترجمه منوچهر ستوده، تهران: طهوری.
- وزیری، احمدعلی خان، (۱۳۷۵)، تاریخ کرمان، تصحیح باستانی پاریزی، تهران: علمی.
- ب. مقالات**
- بختیاری، حسین، (۱۳۵۷)، «پیشینه تاریخی جزیره کیش»، بررسی‌های تاریخی، ش ۷۸، ص ۴۱ تا ۶۴.
- خلیفه، مجتبی، (۱۳۹۱)، «بررسی اوضاع سیاسی سلجوقیان کرمان»، فصلنامه مطالعات تاریخ ایران اسلامی، ش ۱، ص ۱۵ تا ۲۹.
- خیراندیش، عبدالرسول و مجتبی خلیفه، (۱۳۸۶)، «تجارت دریایی ایران در دوره سلجوقی، سده‌های ۵ و ۶ هجری (با تأکید بر نقش بندر تیز)»، مجله علوم انسانی دانشگاه الزهراء، ش ۶۵، ص ۷۱ تا ۹۲.
- رضوی، سیدابوالفضل، (۱۳۸۸)، «راه‌های تجاری در عهد ایلخانی»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۷، ص ۲۲ تا ۳۵.
- روستا، جمشید، (۱۳۹۲)، «تحلیلی بر چگونگی منصب وزارت سلاجقه کرمان»، پژوهش‌های علوم تاریخی. دوره ۵، ش ۱، ص ۷۵ تا ۹۵.
- عباسی، جواد و لیلا امیری، (۱۳۹۰)، «تجارت کرمان از سده ششم تا هشتم هجری با تأکید بر جایگاه جیرفت»، مجله مطالعات ایرانی، ش ۱۹، ص ۳۰۱ تا ۳۲۰.
- نایب‌پور، محمد و لقمان ملکی، (۱۳۸۹)، «جغرافیای تاریخی خلیج فارس»، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۳۵، ص ۱۶ تا ۲۰.
- و ثوقی، محمدباقر، (۱۳۸۳)، «پس از یک هزاره باز هم سیراف»، نامه انجمن، ش ۱۶، ص ۲۰ تا ۲۵.
- تاریخی خلیج فارس، کتاب ماه تاریخ و جغرافیا، ش ۱۴۸، ص ۴۴ تا ۵۵.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی